

رویکردی تحلیلی به نیازهای روانی و رفتاری زنان و تاثیر آن در بهبود کیفیت فضا (نمونه مورد مطالعه: فضای عمومی پارک)

مهروش کاظمی^{*۱}

mmkk177@yahoo.com

فرح حبیب^۲

سید غلامرضا اسلامی^۳

تاریخ دریافت: ۸۸/۲/۲۵

تاریخ پذیرش: ۸۸/۴/۵

چکیده

با وجود این که زنان بیش از نیمی از جمعیت را تشکیل می دهند اما اغلب در طراحی و ساخت محیط کمتر مورد توجه بوده و به میزان ضعیفی در طراحی های شهری مورد مشورت واقع می شوند و عمدتاً شیوه زندگی والگوی حرکتی در شهرها از مردان گرفته می شود این در حالیست که الگوی زندگی زنان ترکیب پیچیده ای از مسئولیت های خانه داری، نگه داری بچه، اشتغال و... می باشد در نتیجه این امر فضاهای تولید شده در تطبیق با نیازهای خاص این قشر ناموفق عمل کرده و یا راه حل های ارایه شده برای مشکلات موجود ناکارآمد می باشند لذا زنان در محیط های طراحی شده به طور مکرر ناسازگاری و محدودیت هایی را تجربه می کنند.

این مقاله تحقیقی درخصوص بررسی نیازهای روانی و رفتاری متفاوت زنان - متاثر از تفاوت های جنسیتی آنان- در فضای عمومی با تاکید بر فضای پارک است که به استخراج شاخص هایی نظیر تامین حس تسلط فضایی، سهولت دسترسی و تفکیک فضایی قلمروها منجر گردید به طوری که رعایت آن ها در طراحی فضای پارک ها باعث بهبود کیفیت و افزایش مطلوبیت فضا با توجه به گروه هدف (زنان) خواهد شد. روش تحقیق بکار رفته از نوع پیمایشی و گردآوری داده ها بصورت میدانی و مصاحبه با زنان بالای ۱۲ سال در پارک های انتخابی در شهر تبریز بوده است.

کلمات کلیدی: زنان، معماری، کیفیت فضا، فضای عمومی، پارک

۱- دکترای معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، تهران، ایران (مسئول مکاتبات)

۲- دانشیار، دانشکده هنر و معماری، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۳- دانشیار، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا دانشگاه تهران، تهران، ایران

مقدمه

کنندگان خود را از دست داده و به این ترتیب یک فضای عام^۹ به دلیل دلیل جنسیتی شدن به یک فضای خاص^{۱۰} تبدیل می گردد. بیان مسئله نظام هدایت پروژه های عمرانی و شهری و به تبع آن طرح های توسعه در ایران، تاکنون عملاً ناظر بر ابعاد کیفی توسعه، ویژگی های بصری، ادراکی، روانشناختی، زیست محیطی، عملکردی و اخلاقی توسعه نبوده و با وجود تجویز الگوهائی ابعادی و کالبدی برای شکل و حجم مکان فضاها در قالب ضوابط، تاثیرات مجموعه این الگوها را بر ساختار فضایی- اجتماعی شهرها و تاثیرات عینی و ذهنی بافت و فضاهای عمومی شهر مورد توجه قرار نداده است. در واقع با وجودی که غالباً تاثیرگذاری بر کیفیت طراحی از اهداف نظارت نبوده، اما ضوابط تاثیرات ناخواسته و نامطلوبی را بر ساختار کالبدی و فضایی کاربری های عمومی وارد آورده است.

این در حالی است که نظارت بر جوانب کیفی طراحی و توسعه بناها و فضاهای شهری و بکارگیری سازوکارهای مناسب در این زمینه، یکی از موضوعات پیچیده و بحث انگیز را در نظام های برنامه ریزی، طرح ریزی و نظارت بر توسعه شهری در جهان تشکیل می دهد. با اینحال اگر چه تنظیم و اجرای نظارت بر جنبه های کیفی، ادراکی و زیبایی شناختی توسعه فضاهای شهری بواسطه ظرافت و پیچیدگی های بیشتر این موضوعات و دشوار بودن سنجش آنها با معیارهای کمی از دشواری بیشتری نسبت به اعمال کنترل بر ابعاد کمی توسعه برخوردار بوده و نیاز بیشتری به توجیهات علمی دارد ولی از سوی دیگر، روند و نحوه نامطلوب خلق و بهره برداری فضاهای شهری در دهه های گذشته، به طرز روزافزونی بر اهمیت و حساسیت برنامه ریزی و نظارت بر کیفیت شکل گیری کالبد و بافت شهری در جوامع مختلف افزوده است.

در این میان انتقادات زیادی از نحوه توسعه شهرهای مدرن نیز در سال های اخیر از طرف متخصصین فعال در زمینه های روانشناسی محیطی و رفتار اجتماعی و فرهنگی صورت گرفته است، که معتقدند دل مشغولی بیش از حد طراحان با الفبای طراحی ساختمان ها و فضاهای شهری، که لزوماً قابلیت تاثیرگذاری مورد نظر آنان در برداشت ذهنی ساکنین و استفاده کنندگان فضا و به طور کلی شهروندان را ندارد، باعث عدم توجه طراحان به نیازهای واقعی مردم و همچنین علائم و مشخصه های ویژه موجود در محیط شهری که در سلسله مراتب ارزشی مردم نقش بسته اند شده است.

کشورهای توسعه یافته با آگاهی از حساسیت های موضوع و تشخیص این که بهبود کیفیت طراحی، توسعه و بازسازی محیط زندگی در شهر، و تقویت حس مکان در افراد، به نحوی مطلوب به

انسان یکی از اساسی ترین موضوع های مطرح در معماری می باشد به طوری که مسائل مرتبط با او نظیر نحوه ادراک^۱، تجربه فضایی^۲، نیازها و خواسته های انسان از دیرباز در چگونگی شکل گیری معماری تاثیرگذار بوده است. انسان ها در دودسته عمده زنان (مونث) و مردان (مذکر) قابل گروه بندی هستند و این دو گروه از دو جنبه جنس و جنسیت با یکدیگر تفاوت دارند.

"جنسیت"^۳ مقوله اجتماعی و هم ساخته^۴ بوده که متاثر از فرهنگ حاکم بر جامعه می باشد و واژه "جنس"^۵ که عموماً برای بیان همان مقوله فقط از دیدگاه زیست شناختی بکار میرود تفاوت دارد. تا قبل از دهه ۶۰ میلادی^۶ این دو واژه به جای یکدیگر بکار گرفته شده و مرز مشخص و منفکی نداشتند (۱). مقوله جنسیت از سال ۱۹۸۰ به طور جدی وارد مباحث علمی از جمله معماری گردید.

آنچه که از موضوع جنسیت، به عنوان یکی از عوامل اجتماعی، در مبحث معماری و طراحی فضاهای شهری به عنوان دغدغه های طراحی مورد توجه می باشد نیازهای روانی و رفتاری متفاوت متاثر از تفاوت های جنسیتی بین زنان و مردان است. اگرچه ابراهام مازلو^۷ نیازهای اساسی انسان را طبقه بندی نموده (۲) و این نیازها برای همه انسان ها اعم از مرد و زن عمومیت دارند اما نیازهای متفاوتی نیز بین جنس ها وجود دارد که عدم توجه به آنها در طراحی فضاها - به ویژه فضاهای عمومی - باعث بوجود آمدن فضاهایی می شود که به مرور به جهت عدم تطابق با این نوع نیازها از حضور یکی از دو گروه استفاده کننده فضا (زن/مرد) تهی شده و به اصطلاح "فضای جنسیتی شده"^۸ ایجاد می شود.

این مقاله، مشکلی تحت عنوان "جنسیتی شدن فضا" را با تمرکز بر فضای پارک به عنوان فضای عمومی، مطرح نموده و سپس به تبیین دلایل وقوع مشکل مذکور و راهکارهای اجتناب از آن پرداخته است. نتایج حاصل از تحقیق مشخص نمود که علت جنسیتی شدن فضا در یکی از سه مرحله سیاستگذاری و برنامه ریزی کلان جامعه؛ فعالیت های عمدی یا غیر عمدی در طی فرآیند طراحی؛ و چگونگی اشغال و بکارگیری فضا بعد از خلق آن بروز می کند. جنسیتی شدن فضای عمومی دلیلی بر افت کیفیت و مطلوبیت آن است چرا که نمایانگر ناکارآمدی فضایی باشد. در نتیجه فضا بخشی از استفاده

1-Perception

2-Experience

3-Gender

4-Constructed

5-Sex

۶- همزمان با تمام موج دوم جنبش برابری طلبی زنان و شروع موج سوم آن.

7-Abraham H.Maslow

8-Be Gendered Space

9-General

10-Specific

ضرورت و اهمیت توجه به زنان در این تحقیق بدین سبب است که توجه به نیازهای آن‌ها در طراحی فضاها فقط به نظر گرفتن نیازهای یک قشر خاص محدود نمی‌شود. چراکه زنان بواسطه نقش‌های جنسیتی که فرهنگ حاکم بر جامعه به عهده آنان گذاشته است به عنوان مادر و مراقبت‌کننده نیز در جامعه حضور دارند. اینرو همواره گروه‌هایی مانند کودکان و والدین بیمار و یا سالمند تحت مراقبت و حمایت آن‌ها می‌باشند. لذا این رویکرد به صورت غیر مستقیم توجه به نیازهای گروه‌های تحت مراقبت آن‌ها نیز در بردارد. در ضمن زنان به طور متوسط عمر طولانی تری نسبت به مردان دارند و بیشتر درگیر مشکلات ناشی از پیری هستند.

موضوع مهم دیگر اینکه عدم احساس رضایت از محیط و سازش نمودن با شرایط موجود باعث می‌شود که زنان مجبور به تحمل مشکلات ناشی از محدودیت‌های موجود در فضا شوند و یا فضا را ترک نمایند که معمولاً راهکار دوم بیشتر انتخاب می‌شود و به این ترتیب نیمی از استفاده‌کنندگان از فضاهای عمومی حذف می‌شوند. این ترتیب با حذف آنان از فضاهای عمومی شهری به یک زندگی حاشیه‌ای سوق داده می‌شوند. در حالی که زنان بواسطه وظایفی که دارند مجبور به حضور در فضاهای شهری هستند. این دوگانگی برخورد منشا ایجاد فشارهای روانی بر زنان شده و عواقب سوء ناشی از این استرس‌های دائمی علاوه بر خانواده که هسته جامعه تلقی می‌شود به کل جامعه نیز تاثیر گذار خواهد بود.

برای پرداختن به چگونگی تاثیر توجه به نیازهای خاص فضایی زنان در طراحی محیط‌های شهری ابتدا لازم است به رابطه بین جنسیت و فضا-دور از گرایش‌های فمینیستی- اشاره نمود.

جنسیت و فضا

در بررسی رابطه بین جنسیت و فضا با پدیده‌ای تحت عنوان فضاهای جنسی شده و فضاهای جنسیتی شده برخورد نموده و این سوالها مطرح می‌شوند که آیا فضا جنسی است؟ آیا فضا جنسیتی است؟ اگر چنین است جنسیتی شدن آن چگونه صورت می‌گیرد؟

مکان‌های خاص ممکن است براساس جنس زیست شناختی افرادی که آنها را اشغال می‌کنند خصوصیات جنسی داده شوند یا براساس جنسیت فعالیت‌های مختلف که در آنها انجام می‌شود جنسیت داده شوند. به عنوان مثال توالت‌ها، جنسی شده^۲ - مؤنث یا مذکر- هستند چرا که توسط مردان و زنان مورد استفاده قرار می‌گیرند. در حالیکه یک آشپزخانه خانگی به صورت زنانه جنسیت داده می‌شود زیرا آشپزی به طور اجتماعی امری است که به خانم‌ها مربوط می‌شود. (۴).

سلامت روانی جامعه و نهایتاً به باز تولید اقتصادی در جهت منافع و حقوق عمومی می‌انجامد، گام‌های گسترده تری را به خصوص در دودهمه اخیر در این زمینه برداشته اند^۱.

از جمله مهم‌ترین عوامل مؤثر در کیفیت محیط شهری وجود مطلوبیت و همچنین عدم نامطلوبیت فضاهای عمومی- که استفاده‌کنندگان از آن‌ها شامل عموم اقشار و طبقات و جنسیت‌ها است، می‌باشد.

فضاهای عمومی شهری به عنوان نمادی از توسعه یافتگی شهرها که پاسخگوی نیاز طیف وسیعی از مردم می‌باشند جایگاه ویژه‌ای در سنجش کامیابی نظامات پرآزمنده به امور توسعه شهرها به حساب می‌آیند، در بین فضاهای عمومی شهری از جمله مراکز تجاری، مراکز تفریحی، پارکینگ‌های عمومی، مراکز فرهنگی، بیمارستان‌ها، ادارات، ترمینال‌ها، فرودگاه‌ها و پارک‌ها، پارک‌های عمومی به لحاظ ابعاد اقتصادی، نحوه خدمات رسانی، سهولت بهره‌مندی و ... دارای بیشترین و گسترده‌ترین استفاده‌کننده می‌باشند و بهمین دلیل بهترین گزینه از بین فضاهای عمومی شهری برای سنجش کیفیت موجود و جستجوی راه کارهای مناسب برای ارتقاء کیفیت آتی فضاهای شهری قابل بررسی می‌باشند.

براساس ماده ۳۰ فصل اول- بستر سازی برای رشد سریع اقتصادی- قانون چهارم توسعه^۲، دولت موظف است به منظور هویت بخشی به سیمای شهر و روستا، استحکام بخشی ساخت و سازها، دستیابی به توسعه پایدار و بهبود محیط زندگی در شهرها و روستاها، اقدام‌هایی را در بخش‌های عمران شهری و روستایی و مسکن به عمل آورد (۳).

در راستای نیل به اهداف فوق یکی از روش‌های بهبود کیفیت زندگی در شهرها توجه به نیازهای زنان - به عنوان بخشی از استفاده‌کنندگان فضاها- در بهره‌برداری از فضاهای شهری و برخورداری از امکانات خدماتی در سطح شهرها می‌باشد. به این معنی که سیاست شهری، ساختار شهرها و مطالعات شهری نیازها و اولویت‌های زنان را به حاشیه نرانده و از آن‌ها چشم‌پوشی ننماید. در این صورت فضاهای ایجاد شده از مطلوبیت و کارایی بالایی برخوردار بوده و زنان به عنوان بخشی از استفاده‌کنندگان فضا با رضایت در آن‌ها حضور یافته و مجبور به ترک فضا نخواهند شد.

۱- برای مثال در انگلستان در سال ۱۹۹۴ به ابتکار وزیر محیط زیست، برنامه ای تحت عنوان "کیفیت زندگی در شهر و روستا" به اجرا گذاشته شد که مشاوره با کارشناسان در سطح وسیع در رابطه با موضوعاتی نظیر ادغام کاربری‌ها، مشارکت‌های محلی، آگاهی‌های زیست محیطی و دستورالعمل‌های طراحی را در بر می‌گرفت. (رجوع شود به: DOE, 1994)

۲- قانون برنامه چهارم توسعه مصوبه ۱۳۸۳/۶/۱۱ برای مقطع زمانی (۱۳۸۸-۱۳۸۴) دارای شش بخش و ۱۶۱ ماده می‌باشد که در تاریخ ۱۳۸۳/۷/۲۵ جهت اجرا ابلاغ شده است.

با خروج زنان از یک محیط عمومی فضای موجود ماهیت جنسی بخود می گیرد و به جهت افزایش حضور مردها در این فضای جنسی شده، رفته رفته فعالیت هایی که ماهیت جنسیتی مردانه- اعم از فعالیت های مثبت یا منفی- دارند در این فضا افزایش یافته و فضای عمومی اولیه به یک فضای جنسیتی شده (Be Sexed Space) تبدیل می شود. اکنون سوال مهمی ایجاد می شود: این که فرآیند جنسیتی شدن فضا چگونه به وقوع می پیوندد؟

روش های جنسیتی شدن فضا

اگر فرآیند طراحی و خلق فضا را به سه مرحله برنامه ریزی و سیاستگذاری کلان جامعه، طراحی و بکارگیری فضا (Occupation) تقسیم نماییم وقوع هر یک از مراحل را در محور زمان میتوان بصورت زیر نمایش داد.

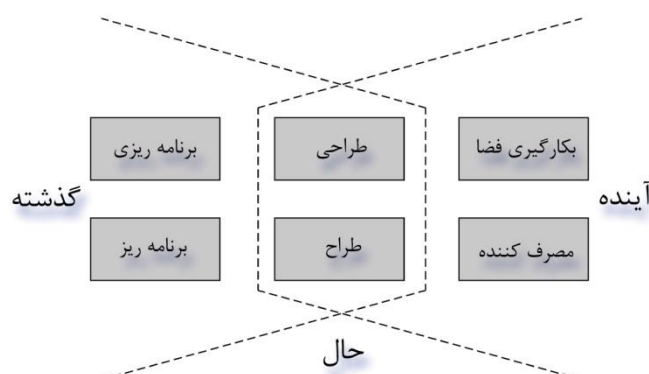
نافذترین و فراگیرنده ترین نمایش فضای جنسیتی "حوزه های مجزا"^۱ (عمومی/خصوصی) -یک سیستم مخالف و سلسله مراتبی شامل تسلط عمومی مرد از قلمرو تولید(شهر) و تابعیت خصوصی زن از یک بازتولید(خانه)- می باشد. آنچه در بحث حوزه های مجزا (عمومی/خصوصی) به عنوان نکته اساسی قابل عمل است نتیجه و پیامد حاصل از آن می باشد که به نگرشی خاص منجر می گردد و بر اساس آن حضور زنان در فضای عمومی بار معنایی منفی می یابد. (۵)

نمونه هایی از فضاهای جنسیتی شده را در معماری سنتی ایران نیز می توان یافت. مانند فضای حرمسراها که فضای جنسیتی شده زنانه بودند. یا فضاهایی که به صورت بالکن در طرفین تالاریشاه نشین طراحی می شدند و محلی برای استقرار زنان جهت تماشای مراسمی بود که در تالار اجرا می شد مانند آنچه در خانه بروجردی های کاشان و خانه قدکی تبریز وجود دارد. این امر بیانگر توجه معمارسنتی به لزوم تفکیک فضایی براساس فرهنگ حاکم بر جامعه و طراحی متناسب با آن می باشد.

تفکیک فضایی بین جنس ها، یعنی جنسی کردن فضا، گاه امری منطقی است به خصوص در جوامعی که تفکیک بین زنان و مردان در اکثر شئون رعایت می شود. حتی جنسیتی شدن فضا بر اساس فرهنگ حاکم بر جوامع امری دور از ذهن نیست. برای مثال فعالیتی نظیر تجمع در قهوه خانه و کشیدن قلیان در فرهنگ مردم بعضی از نقاط ایران مانند تبریز فعالیتی کاملاً مردانه محسوب می شود لذا فضای قهوه خانه ها در سطح شهر تبریز یک فضای جنسیتی مردانه بوده و زنان هرگز در آن ها حضور ندارند. در حالی که ممکن است همین فضا در یک محیط دیگر به عنوان یک فضای عمومی قابل استفاده برای هر دو جنس باشد. لذا جنسیتی شدن یک فضا زمانی به عنوان مشکل مطرح می شود که بنا بدلایلی یکی از دو جنس (زن/مرد) مجبور به ترک یک فضای عمومی شده و از حق بهره برداری از آن فضا محروم می شوند در حالی که امکان بهره مندی مطلوب از فضاهای شهری و عمومی از حقوق اولیه شهروندی محسوب می شود.

به بیان ساده تر در جامعه سنتی بخشی از استفاده کنندگان فضا(زنان) به صورت محدود و تعریف شده در فضاهای عمومی حضور می یافتند اما با تبدیل جامعه سنتی به مدرن حضور زنان در عرصه های اجتماعی پرنگتر شده است. اما فضاهای عمومی متناسب با این افزایش حضور طراحی نمی شوند. این امر با توجه به تحقیقات انجام یافته و مشاهده تجربیات روزانه زندگی - در فضاهای عمومی - برای تمام زنان قابل لمس می باشد.

1- Separated spheres



شکل ۱- مدل ارتباط زمانی مراحل مختلف فرآیند با اقتباس از مدل اسلامی، ۱۳۸۴ (منبع: نگارنده)

شده و طی چهار برنامه پنج ساله در حال اجرا است اشاره نمود. با توجه به این که پژوهش حاضر در سال ۱۳۸۷ انجام شده است، قانون برنامه چهارم توسعه، به عنوان سیاستگذاری و برنامه ریزی کلان جامعه منظور نظر می باشد.

مطالعه قانون برنامه چهارم توسعه با دقت در خصوص موضوع جنسیت مشخص می کند توجه کافی به مواردی نظیر رفع تبعیض جنسیتی، ایجاد فرصت های برابر برای زنان و مردان، تلاش برای افزایش مشارکت زنان در توسعه، افزایش باورها نسبت به شایستگی زنان و... مبدول شده است.

فرآیند طراحی^۱

بر اساس الگوی ارائه شده یکی از عوامل موثر در جنسیتی شدن فضا متعلق به فرآیند طراحی فضا می باشد. در این راستا به الگوی فرآیند طراحی ارائه شده توسط برایان لاسان^۲ به عنوان الگویی که به تبیین جایگاه هریک از عوامل موثر در مسئله طراحی می پردازد استناد می شود. بر اساس الگوی لاسان مولدهای مسئله طراحی به چهار گروه قانون گذاران، کارفرمایان، طراحان و استفاده کنندگان تقسیم می شوند. در تقسیم بندی لاسان طراحان یکی از مولدهای مسئله طراحی می باشند. از طراحان نیز مانند هنرمندان انتظار می رود که فقط به حل مسئله نپردازند بلکه نکات و علایق باطنی خود را نیز در فرآیند کار وارد کنند. محصول فرآیند طراحی نتیجه کار طراح یا معمار می باشد. او باید به سفارش کارفرما و توجه به خواسته ها و نیازهای او، رعایت حد مجاز ارضای علایق هنری خویش که تابعی از ماهیت مسئله طراحی و ارتباط طراح با کارفرما می باشد و همچنین

بدین ترتیب برنامه ریزی به منابع حادث شده در گذشته، بکارگیری و استفاده از فضا متعلق به محصول ارائه شده در آینده بوده و مرحله طراحی به زمان حال تعلق خواهد داشت که همپوشانی گذشته و آینده است. بدین معنی که طراحی فضا چیزی است که از گذشته شروع شده و تا آینده ادامه دارد.

با پذیرش این مطلب که فضا براساس نوع فعالیت هایی که در آن انجام می گیرد جنسیتی می شود و این فعالیت ها منسجم از نقش های جنسیتی هر یک از دو جنس زن و مرد می باشد همچنین این مهم که نقش های جنسیتی براساس فرهنگ حاکم بر جامعه تعیین می شوند. با فرض بستر فرهنگی ثابت، میتوان بیان نمود که فضا به یکی از سه طریق زیر می تواند جنسیتی شود:

- از طریق سیاست گذاری و برنامه ریزی کلان جامعه؛
- براساس کارهای عمدی یا غیر عمدی در طی فرآیند طراحی؛ و
- براساس نحوه اشغال و بکارگیری فضا بعد از خلق آن.

سیاست گذاری و برنامه ریزی های کلان جامعه

در جامعه با توجه به ایدئولوژی برگرفته از جهان بینی و همچنین با توجه به مقتضیات و در راستای هدایت جامعه بسوی اهداف غایی متصور برای آن، برنامه ریزی و سیاست گذاری هایی در سطح کلان انجام می شود که سایر فعالیت ها و برنامه ریزیها از جمله سیاستگذاری برای ایجاد فضاهای جنسیتی را تحت تاثیر قرار می دهد. به این معنی که ابتدا لزوم ایجاد فضاهای جنسیتی شده در برنامه ریزیهای کلان مطرح می شود و در ادامه سایر مواردی که در تولید فضا نقش دارد - از جمله تدوین ضوابط و معیارها - متأثر از این محور اساسی شکل می گیرند.

جهت ارائه مثالی از سیاستگذاری و برنامه ریزی کلان جامعه می توان به برنامه ریزی که جهت توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران تحت عنوان سند چشم انداز بیست ساله انجام

1 - Design Process

2 - Bryan Lawson

فضا در شکل ۲ جمع بندی و ارایه می شود و در ادامه به آزمون فرضیه می پردازیم.

رعایت قوانین و ضوابط ارایه شده از سوی قانون گذار به امر طراحی بپردازد. (۶)

با فرض این که جنسیتی شدن یک فضا در سیاستگذاری کلان و به تبعیت از آن در قوانین وضع شده توسط قانون گذار مطرح نشده باشد، طراحان در موقعیت خود به یکی از دو روش زیر می توانند در ایجاد فضای جنسیتی موثر باشند:

۱- براساس آموخته های خود از تئوری و طراحی معماری؛ و

۲- براساس شکاف موجود بین طراح (معمار) و استفاده کننده فضا.

ماهیت جنسیتی شده تئوری معماری یکی از موضوع های مورد بحث در رابطه جنبش برابری طلبی زنان و معماری است که دیانا آگرس^۱ با رویکردی انتقادی به این موضوع پرداخته و استدلال می کند که تئوری معماری با حذف کردن یا بهتر است بگوییم با سرکوب کردن زن و جسم او از معماری، جنسیتی شده است و اثبات می کند که سیستم معماری غرب از زمان ویتروویوس از یک چنین منطقی برخوردار است (۷).

و اما در مورد روش دوم، طراح (معمار) دسترسی مستقیم به کسانی که برای آنها طراحی می کند ندارد. به جهت شکاف موجود بین آن دو که زایسل^۲ نیز به آن اشاره نموده است (۸) دسترسی به استفاده کننده واقعی طرح- فضا- برای استنتاج نیازها و خواسته های او فراهم نشده و طراحی بدون حضور بهره بردار فضا انجام می شود در نتیجه فضا قادر به پاسخگویی مناسب به نیازهای استفاده کنندگان نبوده و محدودیت ها و ناسازگاری های موجود باعث افت کارایی فضا می شود. با این وصف معمار (طراح) در فرآیند جنسیتی شدن فضا یکی از تاثیرگذارترین عوامل خواهد بود. حال این سوال به ذهن میرسد آیا ترک فضا توسط بخشی از استفاده کنندگان فضا می تواند به دلیل عدم مطلوبیت و افت کارایی فضای طراحی شده توسط معمار باشد؟

فرضیه پژوهش

به این ترتیب در راستای پاسخ به سوال فوق فرضیه پژوهش مبنی بر این که " کم توجهی به نیازهای روانی و رفتاری متاثر از تفاوت جنسیت و نقش های جنسیتی در طراحی فضاهای عمومی افت کارایی و مطلوبیت فضا را به همراه داشته و موجب ترک اجباری بخشی از استفاده کنندگان فضا می شود " شکل می گیرد به طوری که این روند در نهایت منجر به جنسیتی شدن فضا می گردد.

به جهت اهمیت مرحله فرآیند طراحی و مجال محدود مقاله، جایگاه هر یک از مولدهای مسئله طراحی براساس الگوی فرآیند طراحی لاسان و همچنین نحوه تاثیر گذاری هر یک در فرآیند جنسیتی شدن

1-Diana Agrest

2-Zeisel

براساس تحلیل داده ها عوامل موثر در مطلوبیت و نامطلوبیت فضا وهمچنین میزان تاثیر آن ها تعیین شده و براساس آن دیاگرام های زیراستخراج گردیدند که بیانگر سهم هریک از عوامل در نتیجه کلی می باشد. (شکل ۳) و (شکل ۴)

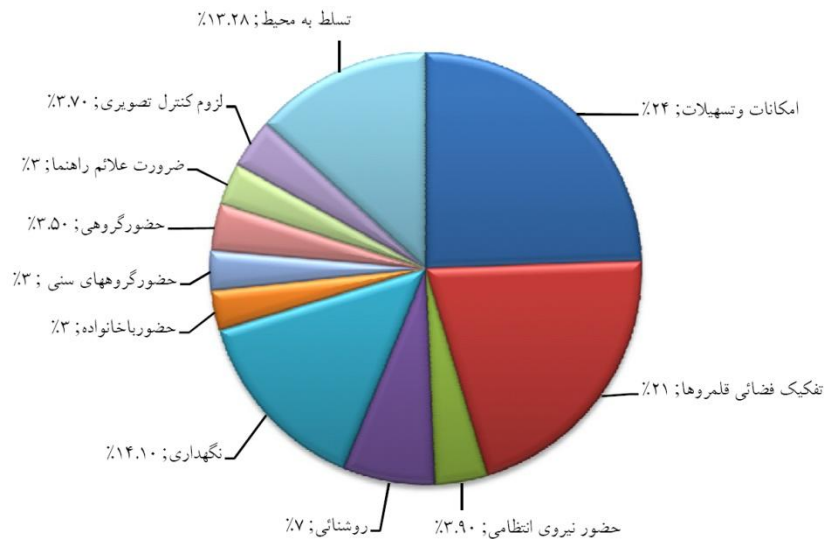
همسایه، محله، ناحیه، منطقه و شهر از نقاط مختلف شهر تبریز (جدول ۱) انتخاب گردیدند (۱۲).

جدول ۱- مشخصات پارک های انتخابی به عنوان جامعه

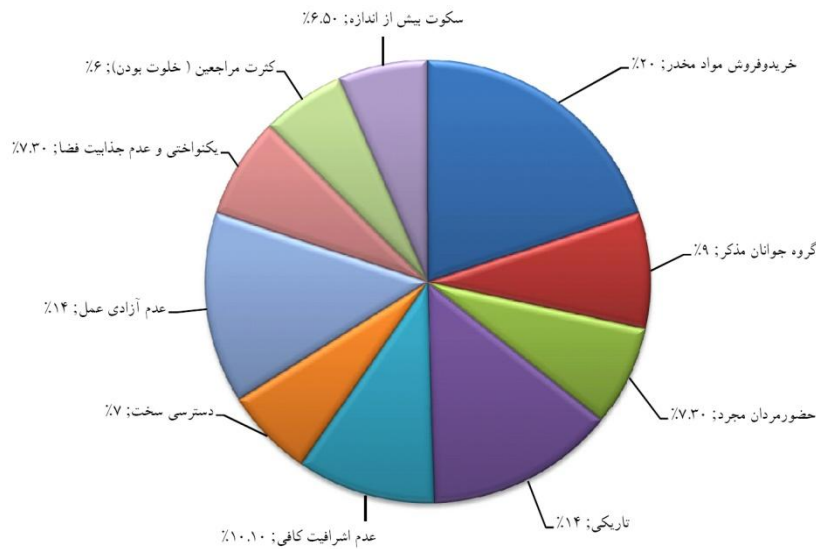
آماري (منبع: نگارنده)

ردیف	نام پارک	مساحت (مترمربع)	مقیاس پارک
۱	پارک اسد آبادی	۳۸۰۰	همسایگی
۲	پارک قطران	۵۵۰۰	همسایگی
۳	پارک قائم مقام	۹۸۰۰	محله
۴	پارک پاسداران	۹۴۷۰	محله
۵	پارک آخمقیه	۲۰۷۰۰	ناحیه
۶	پارک شقایق	۴۰۰۰۰	ناحیه
۷	پارک باغ همیشه	۵۳۰۰۰	منطقه
۸	پارک فجر (گلستان)	۵۰۰۰۰	منطقه
۹	پارک ائل گلی	۶۱۰۰۰۰۰	شهر

خلاصه یافته های پژوهش



شکل ۳- دیاگرام سهم تاثیر هریک از عوامل در مطلوبیت فضا (منبع نگارنده)

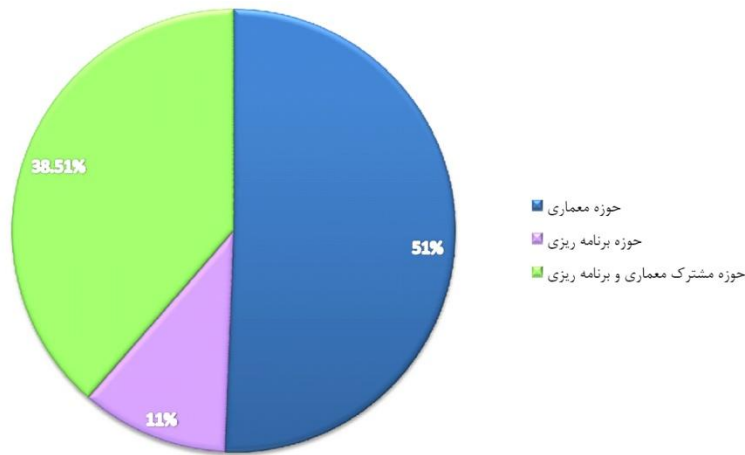


شکل ۴- دیاگرام سهم تاثیر هریک از عوامل در نامطلوبیت فضا (منبع نگارنده)

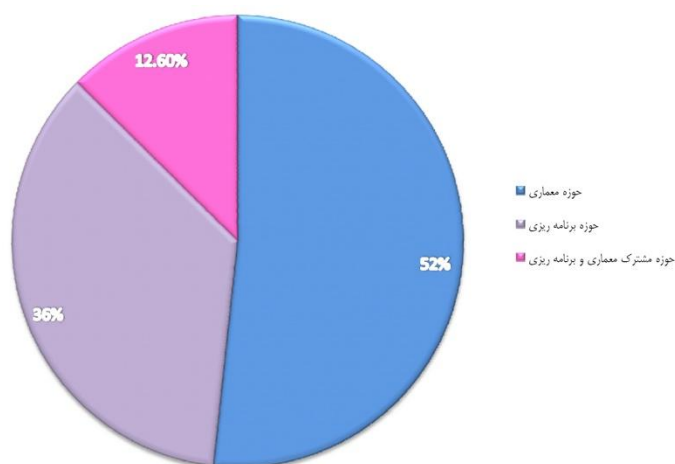
سهم مداخله هریک از حوزه های تخصصی

در ادامه سهم مداخله هریک از حوزه های تخصصی در تامین مطلوبیت فضا و همچنین رفع نامطلوبیت فضا تعیین گردیدند که نتایج حاصل با دیاگرام های زیر ارایه می شود. (شکل ۵)، (شکل ۶)

نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل داده ها، شاخص هایی ارایه نمود که به عنوان عوامل موثر در مطلوبیت و نامطلوبیت فضا طبقه بندی شدند و سنجش کارایی فضای طراحی شده را ممکن ساختند همچنین رعایت شاخص های مذکور در طراحی فضای پارک افزایش کیفیت و مطلوبیت فضا را از نظر جامعه هدف در پی خواهد داشت.



شکل ۵- دیاگرام سهم مداخله حوزه های تخصصی در تامین مطلوبیت فضا (منبع نگارنده)



شکل ۶- دیاگرام سهم مداخله حوزه های تخصصی در رفع نامطلوبیت فضا (منبع: نگارنده)

جمع بندی و نتیجه گیری

همان طور که ملاحظه شد بخشی از یافته های پژوهش بیانگر اختصاص بیشترین سهم مداخله - در تامین مطلوبیت و همچنین رفع نامطلوبیت فضای پارک- به حوزه معماری می باشد و این امر تاییدی است بر اهمیت نقش معمار ولی همان طور که در الگوی فرآیند طراحی لاسان نیز به آن اشاره شده نقش کارفرما، قانون گذار و استفاده کننده فضا نیز به لحاظ تأثیری که بر ماحصل کار معمار دارند از اهمیت برخوردارند. برای مثال معمار در امر طراحی با ضوابط و قوانینی که توسط قانون گذار وضع می شود به عنوان محدودیت های بیرونی انعطاف ناپذیر درگیر بوده و ملزم به رعایت آن ها می باشد. این قوانین متأثر از سیاستگذاری و برنامه ریزی کلان جامعه و در راستای آنها می باشد حال اگر موضوع جنسیت و لزوم توجه به رفتارها و نیازهای جنسیتی متفاوت استفاده کنندگان فضاهای معماری و شهری در سیاستگذاری کلان جامعه لحاظ شود پیرو آن قانون گذار وضع ضوابط و قوانین طراحی متناسب را در دستور کار خود قرار داده و نتیجه کار تأثیر مثبت در طراحی معمار با هدف مناسب سازی و کارآیی فضا برای استفاده کنندگان-زنان یا مردان- خواهد داشت.

در حال حاضر جایگاه پرداختن به این موضوع در کشور ایران- محل انجام تحقیق- ماده ۳۰ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی مبحث مربوط به بهبود محیط زندگی در شهرها وجود دارد به این معنی که بوجود ماده ای تحت عنوان " مناسب سازی فضاهای شهری و اماکن عمومی برای زنان " مبتنی بر عدم ایجاد حوزه های مجزا، احساس نیاز می شود. به تبع آن قانون گذار ملزم به تدوین و ابلاغ ضوابط طراحی در راستای مناسب سازی فضاهای عمومی، اماکن و ساختمان های عمومی و دولتی برای زنان خواهد بود.

به جهت تحقق سیاستگذاری و برنامه ریزی و همسو بودن با ضوابط و قوانین جامع نگر، لازم است کارفرمایان در برنامه ریزیهای خود ملزم به رعایت ضوابط اساسی گردند و سلیق خود را در مواردی که به اهداف کلی طرح لطمه نزد ارایه نمایند. برای مثال احداث پارک بانوان نمونه ای از رفتار سلیقه ای و اقدامی از ناحیه کارفرما- شهرداری ها- است که با هدف ارایه راه حل برای مشکلات موجود در پارک ها انجام گرفته است.^۱

بخشی دیگر از یافته های تحقیق عبارتند از تامین حس تسلط فضایی و سهولت دسترسی^۲ که لزوم تأکید بر احداث پارک با نگرش محله محور را مطرح می نمایند. به این معنی که کارفرمایان پارک ها- که عموماً سیستم های دولتی (شهرداری ها)- می باشند باید در احداث پارک ها، نگرش محله محور را در اولویت قرار دهند.

از آن جایی که رسالت این پژوهش بیان لزوم توجه به استفاده کنندگان فضا، خواسته ها و نیازهای رفتاری و روانی متأثر از تفاوت های جنسیتی آنان (زنان / مردان) به عنوان عاملی مؤثر بر کیفیت و کارآیی فضا می باشد ارتقای آگاهی استفاده کنندگان از خواسته ها و

۱- نتایج حاصل از تحقیق انجام یافته در پژوهشی مجزا توسط نگارنده در خصوص پارک های بانوان تبریز مشخص نموده که این نوع پارک ها علیرغم موفقیت در رفع پاره ای از نا مطلوبیت ها، راه حل کارآمدی برای مشکلات موجود محسوب نمی شوند.

۲- موضوع سهولت دسترسی از یک زاویه دیگر در ارتباط با جامعه هدف (زنان) و در ارتباط با شیوه زندگی والگوی فعالیت آنان مطرح می شود. الگوی زندگی زنان ترکیب پیچیده ای از مشاغل اداری، مسئولیت های خانه داری و همچنین نگره داری از بچه ها می باشد. نتایج حاصل از تحقیقی مجزا که توسط نگارنده انجام یافته است در خصوص توزیع فراوانی براساس محل سکونت، نشان می دهد زنان متمایل به حضور در پارک هایی هستند که ضریب دسترسی فیزیکی بالایی برای آن ها وجود دارد. (رجوع شود به: کاظمی، مهرش (۱۳۷۸) ، رویکردی تحلیلی به نقش جنسیت در بهبود کیفیت فضا، رساله دکتری به راهنمایی دکتر غلامرضا اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران)

۶. لاسان، برایان، (۱۳۸۴) «طراحان چگونه می اندیشند، ابهام زدایی از فرآیند طراحی»، ترجمه حمید ندیمی، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی

7. Agrest, Diana, (1993), *Architecture from Without: Theoretical Framings for A Critical Practice*, Cambridge, Mass.: MIT Press. (See, for example, Vitruvius, *The Ten Books on Architecture*, (trans. Morris Hicky Morgan, New York: Dover, 1960); Leon Battista Alberti, *Ten Books on Architecture* (1485), London: Alex Tiranti, 1965)

8. Zeisel, J., (1984), *Inquiry by Design*, Cambridge University Press.

۹. مرتضوی، شهرناز، (۱۳۸۰)، «روانشناسی محیط و کاربرد آن»، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

۱۰. پاکزاد، جهانشاد، (۱۳۸۵)، «مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری»، نشر شهیدی، چاپ اول.

11. Greed, Clara, (1994), *Women & Planning: Creating Gendered Differences*, Routledge, London

۱۲. رفیع پور، فرامرز، (۱۳۷۸)، «کندوکاوها و پنداشته‌ها، مقدمه ای بر روش های شناخت جامعه و تحقیقات اجتماعی»، شرکت سهامی انتشار، برنیوم، فرانسوا، آندره لامورد (۱۳۷۵) «روش تحقیق در روانشناسی»، ترجمه دکتر حمزه گنجی، ویرایش.

نیازهای خود و فرهنگ سازی بهره برداری از فضا به همان میزان داشتن ارتباط مستقیم معمار با استفاده کننده فضا اهمیت دارد. در یک جمع بندی کلی لزوم حضور استفاده کننده با تمام خصوصیاتش اعم از خصوصیات فرهنگی، اقتصادی، جنسیتی و... از مرحله برنامه ریزی و سیاست گذاری و همچنین حضور برنامه ریز و سیاستگذار کلان جامعه - از طریق عوامل مربوطه به جهت اطلاع از بازخوردها و تغییرات ایجاد شده بر اثر گذشت زمان - در حیات آتی فضا احساس می شود.

منابع

۱. نرسیسیاس، امیلیا، (۱۳۸۳)، «مردم شناسی جنسیت»، نشر افکار، چاپ اول.
۲. مازلو، اچ ابراهام، (۱۳۶۹) «انگیزش و شخصیت»، ترجمه احمد رضوانی، نشر آستان قدس رضوی.
۳. قانون برنامه چهارم توسعه، (۱۳۸۵)، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.
4. Rendell, Jane, (ed.), (2000), *Gender, Space, Architect, Introductory Essay: Gender, Space*, London & New York; Routledge.
۵. کاظمی شیشوان، مهروش، (۱۳۸۶)، «حوزه های مجزا» نماد فضاهای جنسیتی در معماری»، همایش زنان معمار ایرانی، تهران.